



مدرسه حقوق



دوره ۸ - شماره ۲۴ - تابستان ۱۴۰۴

رابطه خریدار و فروشنده در قرارداد پایه در اعتبار اسنادی با تاکید بر حقوق ایران
همایون مافی، رضا احسانی، احمدرضا امیری لاریجانی
بررسی تطبیقی جایگاه حفاظت از محیط زیست در حقوق بین الملل بشر و حقوق بین الملل بشردوستانه
سیدفضل الله موسوی، امیرحسین عسگری
عدالت کودک محور و مسئولیت دولت: پیشگیری، اصلاح و بازپروری کودکان ناقض قوانین کیفری
محمد روشن، سمیه رنگین کمان، سیدمصطفی حسینی دستجردی
واکاوی چالش‌ها و الزامات حقوقی هوش مصنوعی در محیط‌های کاری: بررسی تأثیرات و راهکارهای اصلاحی
مریم برومند بازکیاگورابی، امیررضا محمودی
جامعه الگوریتمی و انطباق حقوقی: بازاندیشی در حقوق، حکمرانی و عدالت اجتماعی
خدیجه کریمی اصفهانی، مجاهد امیری
صدور اسناد هویتی در مورد اطفال متولد شده از روابط نامشروع و آثار آن در حقوق ایران
مرضیه کاظمی، مصطفی کافی
مسئولیت نقصان یافته در نظام کیفری ایران و انگلستان
ایرج مروتی، نفیسه عراقی، ماندانا جنگلی
نظارت بر رسانه با رویکرد فقهی و حقوقی
نرگس ابوالمعصومی
درآمدی بر جرایم مرتبط با رمزارزها؛ از تسهیلگری تا پیشگیری
محبوبه طالبی رستمی
اهمیت تفسیر قرارداد در حقوق مدنی ایران
نازنین بهرامی، مهناز سجادیان، حمیدرضا کناری زاده
تأثیر مداخلات امنیت گرایانه و عوام گرایانه سیاست جنایی بر شکل دهی گفتمان جرم شناختی نئوکلاسیک نوین
مسعود اکبری
مطالعه تطبیقی دارایی تجاری در حقوق ایران و فرانسه
سعید جوهر
بازدارندگی تبعید و نفی بلد در عصر ارتباطات
مهسا محمودی
جلوه های حقوق معنوی زندانیان در اسناد داخلی و بین المللی
امین رضا بهار فلاصری
مطالعه تطبیقی کاربرد اصول دادرسی مدنی در دادرسی کیفری با تأکید بر سازوکار ارجاع
علی اصغر عسگری
جرایم علیه اراضی دولتی (مطالعه مروری)
وحید کیومرثی
زیاله‌های قضایی در حقوق بین‌الملل: چالش‌های نظارتی و راهکارهای حقوقی
مهدی قره داغی
توهین به مقدسات در حقوق کیفری ایران، فقه امامیه و فقه اهل تسنن
داود سلمانپور، یعقوب طاهری، حسین زارعی
مسئولیت بین‌المللی کشورها در مبارزه با دوپینگ: تحلیل حقوقی و چالش‌های اجرایی
سپیده احمدیان فرد
سیاست کیفری در قبال جرائم نظامی در حقوق کیفری ایران و ایالات متحده آمریکا
امیرحسین ابوالحسنی، حامد زرین جوی الوار، محمدعلی جهانی
قواعد حاکم بر بازار مالی غیرمتشکل پولی در نظام حقوقی ایران
ایوب رحیمی
حفظ سرمایه اجتماعی در فرایند مبارزه با قاچاق کالا (مطالعه موردی بندر دلووار)
حسین اکبرپا
شرایط سلبی مسئولیت کیفری شخصی بر مبنای اساسنامه دیوان کیفری بین المللی
محمدرضا افراسیابی
تأثیر قوانین داخلی و التزام به معاهدات بین‌المللی در مبارزه با فساد بانکی
سیدبهمن اکبری
سازوکارهای گوناگون اعمال و اجرای حقوق بین‌الملل
مهدی رضایی اسرمی
بزه‌دیده شناسی سبز و بزه‌دیدگان غیرانسانی
امین حاجی وند، امیرحسین خراشادی زاده، محمدجواد میرزایی



Insult to Sacred Places in Iranian Criminal Law, Imamiyya Jurisprudence and Sunni Jurisprudence

Davoud Salmanpour

PhD in Theology and Islamic Studies, Lecturer, Tabnak University, Lamerd, Iran (Corresponding Author)

Yaghsoub Taheri

Master's degree student in Criminal Law and Criminology, Tabrak University, Lamerd, Iran

Hosein Zarei

Master's degree student in Criminal Law and Criminology, Tabrak University, Lamerd, Iran

توهین به مقدسات در حقوق کیفری ایران، فقه امامیه و فقه اهل تسنن

داود سلمانپور

دکتری الهیات و معارف اسلامی، مدرس دانشگاه تابناک، لامرد، ایران
samanpour_da@yahoo.com

یعقوب طاهری

دانشجوی کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه تابناک، لامرد، ایران
yqwb521@gmail.com

حسین زارعی

دانشجوی کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه تابناک، لامرد، ایران
hossein.zarei2905@gmail.com

Abstract

One of the crimes that has always been discussed in jurisprudence and established law, and in recent years, in addition to legal aspects, it has also taken on political dimensions and has even led to questions about it from non-specialists, is the crime of blasphemy. This criminal title is mentioned at the beginning of Article 513 of the Islamic Penal Code (Book Five of the Ta'zirat) approved in 1375, but no definition has been provided for it. Most Sunni jurists and all Shiite jurists have discussed this issue in their jurisprudential works on the issue of insulting the Prophet, which is one of the main examples of blasphemy, some in the chapter on Hudud, and some at the end of the discussion on Qisas. From the perspective of jurists, whether Shiite or Sunni, the concept of blasphemy is ambiguous, and the only way to disambiguate this criminal title is to examine its jurisprudential foundations. This research intends to identify and analyze the comprehensive value and, possibly, the basic differences and similarities of each of these schools of thought regarding this crime by delving into reliable Shiite and Sunni jurisprudential sources. The simplicity of the concept of blasphemy and its examples, as well as the type of punishment that has been determined for it in the Five religions are among the ambiguity of the subject, which can be imagined as variables related to the issue.

Keywords: Punishment, Insult, Iranian Law, Sunni Jurisprudence, Imami Jurisprudence.

چکیده

یکی از جرائمی که در فقه و حقوق موضوعه، همواره مطرح بوده و در سال‌های اخیر به لحاظ این که علاوه بر جنبه‌های حقوقی، ابعاد سیاسی نیز به خود گرفته و حتی پیرامون آن پرسش‌هایی از سوی افراد غیرمتخصص نیز به دنبال داشته است، جرم توهین به مقدسات است. این عنوان مجرمانه، در صدر ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ اشاره گردیده، ولی هیچ تعریفی از آن ارائه نشده است. غالب فقهای اهل سنت و تمامی فقهای اهل شیعه، در آثار فقهی خود، در موضوع سب النبی که از مصادیق عمده اهانت به مقدسات است، به این بحث پرداخته‌اند، برخی در فصل حدود و برخی نیز در پایان بحث قصاص. اهانت به مقدسات، از منظر فقها چه فقهای شیعه و چه فقهای اهل سنت، مفهوم آن دارای ابهام است و تنها راه ابهام زدایی از این عنوان مجرمانه، بررسی مبانی فقهی آن است که این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی در نظر دارد با کنکاش در منابع معتبر فقهی شیعه و اهل سنت، قدر جامع و احیاناً تفاوت‌ها و شباهت‌های مبانی هر یک از این مذاهب را درباره این جرم، مورد شناسایی و تجزیه و تحلیل قرار دهد. مجمل بودن مفهوم توهین، مقدسات و مصادیق آن و نیز نوع مجازاتی که برای آن در مذاهب پنج گانه تعیین گردیده، از جمله موارد ابهام موضوع است که به عنوان متغیرهای مربوط به مسئله قابل تصور است.

واژگان کلیدی: مجازات، توهین، حقوق ایران، فقه اهل تسنن،

فقه امامیه.

ارجاع:

سلمانپور، داود؛ طاهری، یعقوب؛ زارعی، حسین؛ (۱۴۰۴)، توهین به مقدسات در حقوق کیفری ایران، فقه امامیه و فقه اهل تسنن، تمدن حقوقی، شماره ۲۴.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

مقوله اهانت به مقدسات، از جرائمی است که بشر در طول تاریخ با آن روبرو بوده و در هر زمان، مجازات‌ها و نحوه برخورد با آن، متفاوت بوده است، این موضوع عمری به قدمت زندگی بشر دارد؛ زیرا در هر زمانی، موضوعات، پدیده‌ها، اشیاء و مکان‌هایی بوده‌اند که مورد احترام شدید افراد بوده‌اند و انسان‌ها به دلیل ارزش‌مندی مقدسات جان خود را بر سر دفاع یا در ازای اهانت به آن‌ها گذاشته‌اند. اهانت به مقدسات اسلامی، یکی از جرایم پیش‌بینی شده در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ و قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ است که اگر چه در بسیاری از موارد بر اساس قوانین موضوعه، اتخاذ تصمیم نسبت به این عنوان مجرمانه مقدور و میسر است، اما در موارد عدیده مسائلی مطرح و مواردی ظهور و بروز پیدا می‌کند که بعضاً قوانین موضوعه نسبت به آن‌ها ساکت هستند و لاجرم لازم است با عنایت به قوانین فقهی بدواً حکم قضیه را استخراج و سپس نسبت به آن مورد یا موارد خاص اتخاذ تصمیم نمود؛ چرا که در ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ و مستندات قانونی دیگر، این موارد به صورت کلی بیان شده و تصویر روشنی از آن‌ها ارائه نشده است.

بایستی خاطر نشان کنیم، به‌رغم گسترش این پدیده شوم در سطح جهانی و به بهانه‌های مختلف، هنوز خواستگاه فقهی این مسئله و احکام و مصادیق آن در مذاهب پنج‌گانه ه نظر ما به صورت دقیق تبیین نشده

است. قضات نیز، به دستور اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تکلیف دارند، در مواردی که قانون موضوعه ساکت است، به منابع شرعی مراجعه کنند. از آن جا که به دست آوردن مقررات مختلف این مسئله از منابع شرعی برای همه قضات امکان‌پذیر نیست، بنابراین، پژوهشی مبسوط در این زمینه ضروری است، تا راهنمای حقوقدانان و به خصوص قضات محترم باشد و نیز خواستگاه فقهی این جرم به‌طور دقیق، مبرهن و مشخص گردد.

پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی صورت پیرفته است عبارتند از مصادیق توهین به مقدسات در فقه شیعه و فقه اهل سنت چیست؟ معیار و ملاکی که جرم توهین به مقدسات را تحقق می‌بخشد چیست؟ به نظر می‌رسد که برای توهین دانستن یک رفتار یا گفتار یا عمل، باید به عرف جامعه رجوع کرد. به نظر می‌رسد مقدسات مورد قبول فقهای مذاهب اربعه با مقدسات فقه امامیه اختلاف وجود دارد.

۱- مفاهیم

۱-۱- مفهوم لغوی سبّ

سبّ در لغت به معنای فحش، ناسزا، بهتان و افتراء آمده است. دهخدا در لغت نامه خود، در ذیل کلمه سبّ می‌نویسد: سبّ، سبب [ع مص]، دشنام دادن، دشنام، سبّ، سبب، مرد بسیار دشنام‌دهنده، دهار. سبّ^۱ سقط، سقم، شبه، شنطره، شواظ، طلاء، عار، علق، فحش، همه به یک معنی می‌باشند (دهخدا، ۱۳۷۷، ۲۴). راغب در مفردات می‌نویسد: «السَّبُّ الشَّمُّ الفَجِيعُ یعنی سبّ دشنام دردناک و سخت است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۲۱۷).

۱-۲- مفهوم اصطلاحی سبّ

واژه سبّ دو مرتبه در قرآن کریم به صراحت ذکر شده است و در احادیث نیز به صورت متواتر از کتب اهل سنت و تشیع بیان شده است. چنان‌که شیخ انصاری در کتاب مکاسب پیرامون سبّ، هجا و غیث جداگانه به بحث پرداخته است (انصاری، ۱۳۹۸، ۷۲). در اصطلاح سبّ^۲ در فقه از جرائم ضدشرف است

۱- س ب ب

۲- به فتح اول و تشدید ثانی

و عبارت است از ناسزا گفتن و اخص از توهین است (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۳، ۳۵۲).

با دقت در معنی لغوی و عرفی سب، این نکته به دست می‌آید که در صورتی سب مصداق می‌یابد که توهین آور باشد؛ یعنی باعث کسر شأن و تحقیر محسوب شود و اهانت او را در پی آورد؛ لذا برخی در تعریف فحش آورده‌اند: «به هر کلام زشت، رکیک، مستهجن و قبیح گفته می‌شود که برای تحقیر و تضعیف به کار برده شود» (پاد، ۱۳۴۷، ۳۷۲). سیره نبی مکرم اسلام (ص) و معصومین (ع) نشان‌گر آن است که در نظر آنان؛ سب، شتم و ناسزاگویی، کار زشت و مذموم و خلق و خوی جاهلی شناخته شده و نشان می‌دهد که این بزرگواران در طول زندگی و سیره پربارشان، به اصلاح فرد و جامعه در همه ابعاد به خصوص از این حیث پرداخته‌اند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ۳۹۵).

۲- حکم سبّ الله

۲-۱- حکم سبّ الله از دیدگاه شافعی

ابن منذر از علمای معروف فرموده: «اهل علم، اجماع نموده در اینکه حد دشنام‌دهنده بر خدا و پیامبر کشتن است؛ زیرا دشنام‌دهنده کافر است. عقیده ریس مذهب شافعی نیز همین است (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ۶۰).

۲-۲- حکم سبّ الله از دیدگاه حنفی

حنفی‌ها، انکار ضروری دین، مانند حج و روزه و همچنین سجده بر بت و یا انداختن قرآن کریم در کثافات و انکار پیامبران الهی یا آیه‌ای از قرآن کریم و سبّ دین اسلام را موجب ثبوت ارتداد می‌دانند (جزیری، ۱۴۱۹ق، ۲۰۲). در الذخیره آمده است که: «هر کس خداوند را سبّ نماید از مسلمین اگر باشد، باید کشته شود و توبه‌اش مقبول نیست. ولی اگر از اهل یهود و نصارا باشد از اهل ذمه خارج می‌شود و کشته می‌شود» (علیان امینی، ۱۳۸۷، ۲۰۵). در کتاب حاشیه ردالمختار آمده است: سبّ خداوند حکمش قتل است ولی اگر توبه نماید پذیرفته می‌شود چون حق الله است^۳ (ابن عابدین، ۱۴۱۵ق، ۴۷۷). در حاشیه الخرشیه آمده است: یعنی سبّ خداوند، مانند سبّ پیامبر (ص) است و صراحت سبّ خداوند، مانند صراحت سبّ پیامبر (ص) است و آنچه درباره قتل و توبه سبّ النبی گفته می‌شود، در این جا نیز جاری است^۴ (الخرشی،

۳- و لو سبّ الله تعالى قتلته لانه حق الله تعالى

۴- و سبّ الله کذا لک

۱۴۱۷ق، ۲۷۶). صاحب کتاب الصارم المسلول در فصل فی سبّ الله تعالی می گوید: ایشان درباره مسلمان، ادعای اجماع می نمایند و می گوید «وی کافر و مرتد می گردد»^۵ (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ ق، ۱۱۷).

۲-۳- حکم سبّ الله از دیدگاه مالکی

صاحب الکافی معتقد است: «هر کس به خداوند ناسزا بگوید، اگر مسلمان باشد، بدون توبه و اگر ذمی باشد، در صورتی که مسلمان نشود، کشته می شود» (ابن عبدالبر، ۱۴۱۳ق، ۵۸۴).

۲-۴- حکم سبّ الله از دیدگاه حنبلی

در شرح زرکشی آمده است: به طریق اولی «سبّ الله نیز به قتل می رسد»^۶ (زرکشی، ۱۴۳۰ق، ۳۱۹). در الروض المربع پس از بیان سبّ الله می گوید: توبه سبّ الله و سبّ النبی پذیرفته نمی شود^۷ (بهوتی، ۱۴۲۶ق، ۵۶۲).

۲-۵- حکم سبّ الله از دیدگاه امامیه

بر اساس آنچه در فقه شیعه آمده، متعلق سبّ ممکن است مؤمن یا غیرمؤمن، پیامبر (ص) یا سایر معصومین (ع) باشد. این مسئله از دو زاویه مورد بحث قرار گرفته است. ابتدا از نظر حکم شرعی آن که در کتاب مکاسب محرّمه آمده است، سپس در کتاب قذف به مجازات و کیفر پرداخته اند. بر طبق احکام مراجع تقلید، هر گاه شخصی اقدام به سبّ پیامبر (ص)، یا یکی از ائمه (ع) نماید، بر شنونده اش واجب است او را به قتل برساند و این اقدام به اذن امام یا نایب او متوقف نیست، مگر آن که خطر جانی، مالی، عرضی یا ضرر به جان و مال مؤمنی یا عرض و آبرو او وجود داشته باشد. این امر در قوانین موضوعه نیز دیده شده است. بر اساس ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شخص می تواند مهدورالدم را به قتل برساند و اگر ادعای خود را مبنی بر مهدورالدم بودن مقتول به اثبات برساند، نه قصاص می شود و نه دیه از او اخذ می گردد. از دیگر سو، با تشکیل حکومت اسلامی و برای جلوگیری از هرج و مرج از یک

۵- فان كان مسلماً وجب قتله با لاجماع لانه بذالك كافر مرتد

۶- و اما فيمن سبّ الله سبحانه فالقياس على سبّ رسول الله (ص)

۷- لا تغبل في الدنيا توبه سبّ الله او سبّ الرسول

طرف و رعایت اصل برائت افراد^۸ و اثبات جرم افراد در دادگاه صالحه^۹، دیگر نمی‌توان فرد مهدور الدم از جمله ساب الله را بدون اذن حاکم به قتل رسانید.

۲-۶- حکم سابّ الله از دیدگاه حقوق ایران

ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ مقرر می‌دارد: «هر کس به مقدسات اسلام... اهانت نماید اگر مشمول حکم سابّ النبی باشد اعدام می‌شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد».

۳- حکم سابّ النبی

ابن تیمیه، در مقدمه کتاب^{۱۰} خود می‌نویسد: «همان‌گونه که قرآن بیان داشته، بر مسلمانان واجب است که در دل محبت و ولای خداوند متعال، رسول گرامی، مؤمنان و به‌ویژه مؤمنان عالمی که به‌عنوان وارثان انبیاء به شمار می‌آیند، داشته باشند» (قرضاوی، ۱۳۸۰، ۳۹۲). لذا یکی از قوانین مسلم فقه مذاهب اسلامی، لزوم مجازات کسی است که ناسزا، کلمات زشت و اهانت‌آمیز نسبت به خاتم انبیاء حضرت محمد (ص) بگوید، کسی که بی‌مهابا، پاک‌ترین و مهربان‌ترین و دلسوزترین مصلح تاریخ که تمام هستی‌اش وقف خدمت و ارشاد به بشریت کرده بود، به باد استهزاء و اهانت بگیرد و با در هم شکستن شخصیت زیباترین الگوی انسانیت، جامعه بشریت را محروم از راهبر نماید، پاداشی جز مرگ نخواهد داشت؛ بنابراین، قتل توهین‌کننده به پیامبر (ص) مورد اتفاق علمای مذاهب خمس می‌باشد، فقط درباره کیفیت قتل و شخص سابّ که مسلمان باشد یا کافر یا ذمی، مرد باشد یا زن، اختلاف نظر وجود دارد.

۳-۱- حکم سابّ النبی از دیدگاه شافعی

علمای مذهب شافعی معتقدند: «سبّ پیامبر موجب ارتداد است که به‌عنوان قطع رابطه با اسلام تعریف شده است. این قطع رابطه می‌تواند نیت یا سخن کفرآمیز و یا عمل سوء باشد و همه این موارد ممکن است از روی استهزاء یا دشمنی یا عناد یا به لحاظ اعتقادی صورت گیرد». رافعی، موجبات مرتد را بر شمرده: «اگر پیامبری از

۸- اصل سی و ششم قانون اساسی

۹- اصل سی و هفتم قانون اساسی

۱۰- رفع الملام عن الائمة الاعلام

پیامبران را دشنام دهد، یا آن را تحقیر کند» (جمال عبدالناصر، ۱۴۲۹ق، ۳۵۲). ذمی^{۱۱} اگر به پیامبر دشنام دهد و از عهد و پیمان روی گردان شود، کشته می‌گردد (جمال عبدالناصر، ۱۴۲۹ق، ۳۵۲). در کتاب فتح الباری آمده است که: «ابوبکر فارسی که یکی از ائمه شافعی است، در کتابش اجماع نموده است و ابن المنذور نیز گفته است اتفاق است کسی که صریحاً سبّ پیامبر اکرم (ص) نماید، قتلش واجب است و خطایی گفته است که وقتی سبّ النبیّ مسلمان باشد در حکم قتل وی، اختلافی نیست» (عسقلانی، ۱۳۲۵ق، ۲۳۶).

۳-۲- حکم سبّ النبیّ از دیدگاه فقهای حنفی

قال ابوحنفیه و اصحابه: «هر کس که به پیامبر اکرم (ص) دشنام دهد و یا از آن حضرت عیب‌جویی کند و مسلمان هم باشد، مرتد می‌شود و مجازات مرتد که اعدام است، درباره او اجرا می‌گردد و اگر ذمی باشد، تعزیر می‌شود»^{۱۲} (سید مرتضی، ۱۳۹۸، ۲۳۴). در کتاب نصب الرایه آمده است: «سبّ پیامبر (ص) باعث کفر است و موجب قتل»^{۱۳} (زیلعی، ۱۴۱۸ق، ۳۴۱).

۳-۳- حکم سبّ النبیّ از دیدگاه فقهای مالکی

مالک گفته است: «هر مسلمانی که خداوند و پیامبر را سبّ نماید، کشته می‌شود و توبه داده نمی‌گردد و همچنین کسی که پیامبر (ص) را عیب نماید» (ابن ادریس، بی‌تا، ۱۲).

۳-۴- حکم سبّ النبیّ از دیدگاه فقهای حنبلی

در الروض المربع شرح الزاد المستریع آمده است: «در دنیا توبه کسی که به خداوند و رسولش (ص) صراحتاً ناسزا بگوید قبول نمی‌شود، بلکه به هر حال کشته می‌شود» (بهوتی، ۱۴۲۶ق، ۵۶۲).

۳-۵- حکم سبّ النبیّ از دیدگاه امامیه

از جمله کتبی که مفصل به بحث سبّ النبیّ پرداخته است، کتاب «الانتصار» است. در این کتاب چنین نوشته شده است: «کسی که رسول خدا را دشنام دهد، یا این که در صدد خراب کردن وی برآید، مسلمان باشد یا غیرمسلمان، باید درجا کشته شود. گروهی از فقها با آن مخالفت کردند. ابوحنیفه و یارانش گفته‌اند

۱۱- غیرمسلمان در تحت حمایت اسلام

۱۲- من سبّ النبیّ (ص) او عابه و کان مسلماً فقد صار مرتداً و ان کان ذمياً عذر و لم یقتل

۱۳- و لنا أن سبّ النبیّ كفره و موجب القتل

غیرمسلمان را باید مجازات کرد و او را نکشت» (سید مرتضی، ۱۳۹۸، ۲۳۵). در قواعد الاحکام بیان شده است که: «دشنام‌دهنده به پیامبر یا یکی از ائمه کشته می‌شود و این کار برای هر کسی که آن کلام را از او شنیده مباح می‌گردد، بدون هیچ تخفیف و کم و کاستی و اگر از ضرر رسیدن به خودش یا برای گروهی از مسلمین در زمان کنونی و یا آینده بیمناک شود، پس فی الحال نباید آن را انجام دهد» (حلی، ۱۴۱۳ق، ۲۶۲).

۳-۶- حکم ساب‌النبی از دیدگاه حقوق ایران

ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «هر کس پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم... را دشنام دهد یا قذف کند ساب‌النبی است و به اعدام محکوم می‌شود». حکم ماده با ذکر عبارت «هر کس» شامل تمامی افراد اعم از ایرانی یا بیگانه، مسلمان یا غیرمسلمان می‌گردد. ضابطه تشخیص اهانت با توجه به عرف جامعه در هر زمان و هر مکانی متغیر است و نهایتاً دادگاه رفتار مرتکب جرم را مشخص می‌کند.

از معمولی‌ترین مصادیق اهانت به مقدسات مذهبی، رفتارهایی چون فحاشی، اسناد اعمال خلاف عفت و اخلاق حسنه به مقامات معصوم مذکور، انکار رسالت انبیاء عظام اعم از شفاهی یا کتبی و تخریب مقابر متبرکه به قصد توهین به شخص متوفی و مدفون که تماماً به صورت فعل مثبت مادی است. ولی توهین با ترک فعل نیز ممکن است انجام شود مانند ترک ادب عمدی در جایی که لازم الرعایه است به قصد اهانت به مقدسات مذهبی (گلدوزیان، ۱۴۰۲، ۶۱۲). در مقابل برخی معتقدند که توهین با ترک فعل به سبب عدم امکان سوءنیت ثابت نمی‌شود مانند خودداری از فرستادن صلوات (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۳، ۴۴۷).

عنصر روانی لازم برای تحقق این جرم، عمد در توهین و علم بر موهن بودن رفتار می‌باشد، لیکن سوءنیت خاص لازم نیست (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۳، ۴۴۹). همچنین طبق ماده ۲۶۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «هر گاه متهم به سب، ادعاء نماید که اظهارات وی از روی اکراه، غفلت، سهو یا در حالت مستی یا غضب یا سبق لسان یا بدون توجه به معانی کلمات و یا نقل قول از دیگری بوده است ساب‌النبی محسوب نمی‌شود». ظاهر بر این است که صرف ادعا موجب عدم ثبوت جرم ساب‌النبی محسوب می‌گردد و نیازی به اثبات و آوردن دلیل نبوده و دادگاه نیز الزامی به تحقیق ندارد که آیا ادعای وی صحت دارد یا نه؟ همچنین در این حد نیز همانند سایر حدود، هر گاه متهم ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسئولیت کیفری در زمان ارتکاب جرم نماید در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود ادعای او پذیرفته می‌شود (بخشی زاده اهری، ۱۳۹۲، ۲۰۳).

۴- حکم سبّ سایر انبیاء

۴-۱- حکم سبّ سایر انبیاء از دیدگاه فقهای مذاهب اربعه

آنچه از تتبع، تحقیق و پژوهش در اقوال و فتاوی مذاهب اربعه به دست می‌آید، این است که خیلی به بحث در رابطه به مجازات سبّ سایر انبیاء الهی پرداخته‌اند؛ بنابراین، فقط به چند روایت در این زمینه اشاره می‌کنیم: رافعی دشنام دادن یا تحقیر کردن پیامبری از پیامبران را موجب ارتداد فرد می‌داند و در فقه المنهجی نیز همین سخن آمده و می‌نویسد هر کس به دین خدا، یا یکی از انبیاء توهین کند، مرتد است (علیان امینی، ۱۳۸۷، ۲۱۱). این تیمیه بیان می‌دارد: «حکم کسی که ناسزا به سایر پیامبران (ع) بگوید، مانند حکم سبّ پیامبر است. پس اگر شخصی، احدی از پیامبران مذکور در قرآن یا آنان که موصوف به نبوت هستند، با علم به این که پیامبر می‌باشند، سبّ نماید، حکم سبّ به پیامبر اکرم (ص) را دارد. چون ایمان به آنان به صورت عموم واجب است و سبّ آن‌ها کفر و ارتداد است»^{۱۴} (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ۱۰۴۸).

۴-۲- حکم سبّ سایر انبیاء از دیدگاه امامیه

در کتاب الکافی فی الفقه آمده است: «هر کسی که رسول خدا و یا یکی از امام از اهل بیتش یا بعضی از انبیاء را سبّ نماید حکمش کشته شدن است»^{۱۵} (علیان امینی، ۱۳۸۷، ۲۰۳). آیت الله العظمی گلپایگانی، ضمن بیان مطالب مندرج در مسالک، ریاض و ادعای اجماع در غنیه که همه قائل به قتل سبّ سایر انبیاء می‌باشند و ذکر روایتی که خلاف این قول قائل است که می‌فرماید «غیر از پیامبر اکرم (ص) سایر انبیاء را، اگر کسی سبّ نماید، تازیانه می‌خورد، می‌فرماید: آن چه معلوم است عمل به قول اوّل است. الحاق سایر انبیا به پیامبر اکرم (ص) و اعتقاد به تازیانه متروک و به آن عمل نمی‌شود»^{۱۶} (گلپایگانی، ۱۳۷۲، ۲۵۷).

۱۴- و الحكم فی سبّ سایر الانبیا کالحکم فی سبّ نبینا (ع)

۱۵- و من سب رسول الله او احد من الانمه من آله او بعض النبیاء فعلى السلطان على قتله

۱۶- فان من المعلوم ان العمل کان على الاول و هذا متروک لم يعمل به

۴-۳- حکم سبّ سایر انبیاء از دیدگاه حقوق ایران

ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «هر کس هریک از انبیاء عظام الهی را دشنام دهد یا قذف کند سبب النبی است و به اعدام محکوم می‌شود». همچنین طبق ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵: «هر کس به هریک از انبیای عظام اهانت نماید اگر مشمول حکم سبب النبی باشد اعدام می‌شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد». منظور قانون‌گذار از عبارت «انبیاء عظام» پیامبرانی هستند که نام حدود یکصد نفر از آنان در قرآن کریم و روایات معتبر ذکر گردیده و پنج نفر از آنان از لحاظ رسالت بالاترند که عبارتند از حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت موسی، حضرت عیسی و حضرت محمد (ص) (پیمانی، ۱۳۹۲، ۷۹). در مورد «انبیاء عظام» نباید تصور نمود که منظور از آن، با توجه به استفاده از صفت «عظام» در ماده، تنها پیامبران بزرگ، مثلاً انبیاء اولوالعزم می‌باشند. بلکه در این جا واژه «عظام» از حیث تعظیم و بزرگداشت به کار رفته است؛ بنابراین، توهین به هریک از شخصیت‌هایی که از لحاظ اعتقادات اسلامی جزء پیامبران شناخته شده الهی می‌باشند، مشمول ماده فوق قرار می‌گیرد و از این لحاظ، تفاوتی بین حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت موسی، حضرت عیسی و حضرت محمد (ص) و سایر انبیاء (ع) وجود ندارد (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۳، ۱۸۰).

۵- حکم سبّ حضرت فاطمه زهرا (س)

۵-۱- حکم سبّ حضرت فاطمه زهرا (س) از دیدگاه مذاهب خمسّه

درباره سبّ المقدسات، برخی سبّ مادر پیامبر (ص) و نزدیکان وی را اگر به سبّ النبی ملحق شود یعنی به شرط آن که سبّ به پیامبر (ص) باز گردد، مستوجب مرگ دانسته، چنان که شهید ثانی در التحریر گفته است که: «حکم توهین به مادر و دختر نبی (ص) مخصوصاً فاطمه (س) که نگاه داشتن حق قدر و ارزش وی تصریح شده نیز چنین است و در تمام متون برای دشنام دادن فرقی بین مسلمان و کافر و غیر مسلمان نیست» (علیان امینی، ۱۳۸۷، ۲۰۰). در جواهر قذف نسبت به مادر پیامبر (ص) به اعتبار این که قذارت و نجاست جاهلیت او را آلوده نکرده است، حکم قذف پیامبر را دارد و در لمعه آمده است که: «قذف کننده مادر پیامبر (ص)، مرتد محسوب شده و حکم ارتداد دارد، البته فرقی که دارد این است که قاذف پیامبر

(ص) توبه‌اش پذیرفته می‌شود ولی سبّ النبی، توبه‌اش پذیرفته نیست» (حرعاملی، ۱۳۷۲، ۲۵۹).

۵-۲- حکم سبّ حضرت فاطمه زهرا (س) از دیدگاه حقوق ایران

تبصره ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «قذف حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها یا دشنام به ایشان در حکم سبّ نبی است». همچنین طبق ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵: «هر کس به حضرت صدیقه طاهره (س) اهانت نماید اگر مشمول حکم سبّ النبی باشد اعدام می‌شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد». اگر چه قذف یا توهین به حضرت فاطمه زهرا (س) فی نفسه سبّ نبی نیست لیکن از نظر منزلت ایشان، قذف یا دشنام به ایشان نیز مجازات سبّ النبی را خواهد داشت (بخشی زاده اهری، ۱۳۹۲، ۲۰۲).

۶- حکم سبّ الائمه

۶-۱- حکم سبّ الائمه از دیدگاه مذاهب اربعه

فقه‌های مذاهب اربعه در رابطه با توهین به ائمه بحثی نکرده‌اند. چون این مذاهب معتقد به پیروی از امامان چهارده معصوم نیستند و با تحقیق و پژوهش در روایت‌ها و فتاوی مذاهب اربعه نتیجه گرفتیم که غیر از سبّ خداوند، پیامبر اکرم (ص)، انبیاء (ع) و ملائکه و قذف مادر پیامبر (ص) قاتل به قتل نسبت به دیگران مثل سبّ الائمه نیستند و فقط به ذکر صحابه پرداخته‌اند که یکی از این صحابه، حضرت علی (ع) که یکی از امامان شیعیان می‌باشد، اشاره دارند. برای اهل سنت، سبّ و قذف ائمه معصومین و حضرت زهرا (س) و افراد عادی یکسان است.

۶-۲- حکم سبّ الائمه از دیدگاه امامیه

فقه‌های امامیه حکم توهین به اهل بیت پیامبر و ائمه را چه به پیامبر باز گردد و چه توهین به رسول اکرم (ص) برنگردد، را یکسان گرفته‌اند؛ زیرا اهل بیت را ستوده شده به پاکی به وسیله قرآن کریم می‌دانند و به صراحت به عدم لزوم اجازه امام در مورد کشتن دشنام‌دهنده معتقدند: «از دیدگاه فقه‌های شیعه، جرم توهین به مقدسات آن گاه محقق می‌شود که پیامبر (ص) یا یکی از معصومین (ع) مورد اهانت و استهزاء قرار گیرد».

بسیاری از فقها در توهین به مقدسات، حضرت زهرا (س) را نیز ملحق به معصومین نموده‌اند (هاشمی، ۱۳۸۰، ۵۸). شیخ مفید می‌گوید: «هرگاه کسی پیامبر اسلام (ص) یا یکی از ائمه را مورد دشنام دهد، مرتد و خون او هدر است و متصدی اجرای حکم امام مسلمانان است» (مفید، ۱۳۶۸، ۷۴۳). در کتاب مجمع المسائل در سوال و پاسخی آمده است: «کسی که توهین و هتاک‌ی نسبت به ائمه (ع) یا یکی از امامان در حال غیظ اما نه غیظی که مزیل عقل و هوش باشد نماید، آیا فقط عاصی شده یا مرتد هم می‌شود و آیا واجب القتل است یا خیر؟ ناسزا به ائمه (ع) حکم ناسزای به رسول خدا (ص) را دارد و ناسزا گفتن به آن مقام موجب کفر و ارتداد است و کشتن گوینده ناسزا واجب است» (گلپایگانی، ۱۳۷۲، ۲۰).

۶-۳- حکم سبّ الائمه از دیدگاه حقوق ایران

تبصره ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «قذف هریک از ائمه معصومین علیهم السلام یا دشنام به ایشان در حکم سب نبی است». همچنین طبق ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵: «هر کس به هریک از ائمه طاهرین (ع) اهانت نماید اگر مشمول حکم سب النبى باشد اعدام می‌شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد».

۷- حکم سبّ الصحابه

۷-۱- حکم سبّ الصحابه از دیدگاه مذاهب اربعه

در کتاب «دیدگاه اهل سنت در مورد اصحاب» نوشته شده است که: «هیچ شکی نیست که کسی که کفر یا فسق را به برخی یا تمام اصحاب نسبت دهد، کافر می‌شود و کشته می‌شود» (وهیبی، ۱۴۲۷ق، ۴۸). امام محمد بن عبد الوهاب درباره کسانی که سبّ اصحاب را جایز دانسته‌اند چنین می‌گوید: «هر کس بعضی از اصحاب را که فضیلت و کمالات آنان به حد تواتر رسیده است، مانند خلفای راشدین، مستحق سبّ و دشنام بدانند، کافر می‌شود، چون چیزی را تکذیب کرده است که از پیامبر (ص) به‌طور قطع ثابت شده است و تکذیب کنندگان آنان کافر می‌شوند و اگر آنان را دشنام دهد، منتها معتقد نباشد که سبّ و دشنام آنان حق

و مباح می‌باشد، فاسق خواهد گشت، چون سبّ و دشنام دادن مسلمان موجب فسق است، ولی برخی از علما می‌گویند که، هر کس شیخین را دشنام دهد، بدون هر شرطی کافر می‌شود» (وهیبی، ۱۴۲۷ق، ۶۲).

۷-۲- حکم سبّ الصحابه از دیدگاه امامیه

فقه‌های شیعی به عدالت همه صحابه ایمان ندارند، همه آن‌ها را مورد احترام نمی‌شمارند و برای نظر خود دلایلی را ذکر کرده‌اند. همه صحابه از جهت علمی و آگاهی به دستورات دینی در حدی نبوده‌اند که بتوانند اجتهاد کنند و بسیاری از اعمال ناشایستی که عده‌ای از صحابه مرتکب شده‌اند، نه از روی اجتهاد، بلکه به جهت پیروی از هوای نفس بوده است. اجتهاد مربوط به زمانی است که حکم مسئله روشن نباشد و نصی از کتاب و سنت درباره آن مورد نداشته باشیم؛ اما موردی که مسئله روشن است و در کتاب و سنت به‌طور صریح حکم مسئله بیان شده باشد، دیگر نیازی به اجتهاد نیست. بسیاری از تخلفات عده‌ای از صحابه از این مورد است مانند عایشه که به‌رغم، نص صریح قرآن کریم و سنت نماز، را در سفر کامل و تمام می‌خواند و اهل سنت در جواب ما می‌گویند او اجتهاد کرده است (شرف الدین، ۱۳۹۵، ۲۵).

نتیجه

توهین به مقدسات در کلیه مذاهب اسلامی از شناخت شدیدی برخوردار است به‌طوری که کلیه کسانی که مرتکب توهین به مقدسات اعم از امامیه و عامه می‌گردند نه تنها از منظر حکومت بلکه از دیدگاه عموم نیز مورد نفرت و انزجار قرار می‌گیرند. چه این که مقدسات نه تنها در دین مقدس اسلام بلکه در کلیه ادیان الهی مظهر پاکی و رستگاری بوده و توهین به آن‌ها چنانچه کمترین واکنش و پیامد داشته باشد حداقل مورد انزجار عامه مردم واقع شدن فرد توهین کننده بوده و حسب میزان تأثیرگذاری، شدت و حدت گفتار، نوشتار و عمل توهین آمیز مجازات مرگ را در پی خواهد داشت. ملاک شناسایی مفهوم سبّ عرف است؛ یعنی هرچه عرف سبّ بداند از نظر شرع نیز سبّ خواهد بود.

جرم توهین به مقدسات، از جمله جرایم عمدی است و مراد از عمدی بودن آن علم و آگاهی مرتکب به وهن آور بودن کردار، رفتار، گفتار و نوشتاری که به حیثیت و شرافت طرف جرم لطمه وارد می‌کند. علاوه بر این علم و آگاهی، عمد و قصد مرتکب به منظور هتک حیثیت، شرافت و حرمت طرف جرم

لازم می‌باشد؛ بنابراین، شخصی که اعمال توهین‌آمیز و وهن آور از او سر می‌زند باید ضامن دارا بودن قصد لطمه زدن به حیثیت و آبروی دیگری، عالم به موهن بودن عمل خود و مقدس بودن طرف توهین باشد. به‌طور کلی، عنصر روانی این جرم مرکب از دو شرط می‌باشد: اول، علم و دانش مرتکب به مقدسات و علم به توهین‌آمیز بودن عمل. دوم، قصد مرتکب برای از بین بردن حیثیت، شرافت و حرمت طرف جرم.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- بخشی زاده اهری، امین، ۱۳۹۲، **محشای قانون مجازات اسلامی از منظر دکترین و طراحان سوال**، چاپ دوم، تهران، انتشارات عصراندیشه.
- پاد، ابراهیم، ۱۳۴۷، **حقوق کیفری اختصاصی**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- پیمانی، ضیاءالدین، ۱۳۹۲، **حقوق کیفری اختصاصی سه جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی**، چاپ نهم، تهران، انتشارات میزان.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۴۰۳، **ترمینولوژی حقوق**، چاپ سی و نهم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، **لغت نامه**، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- شرف الدین، سیدعبدالحسین، ۱۳۹۵، **اجتهاد در برابر نص**، ترجمه علی دوانی، چاپ سیزدهم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- قرضوای، یوسف، ۱۳۸۰، **دیدگاه‌های فقهی معاصر**، ترجمه احمد نعمتی، چاپ اول، تهران، انتشارات احسان.

- گلدوزیان، ایرج، ۱۴۰۲، **محشای قانون مجازات اسلامی**، تهران، چاپ دوازدهم، انتشارات مجد.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- میرمحمدصادقی، حسین، ۱۴۰۳، **حقوق کیفری اختصاصی سه**، چاپ سی و چهارم، تهران، انتشارات میزان.
- هاشمی، سیدحسین، ۱۳۸۰، **جرم اهانت به مقدسات در نظام حقوقی اسلام و کامن لا، مجله رواق اندیشه**، شماره ۲.

عربی

- ابن تیمیه حرانی، ۱۴۰۶ق، **منهاجُ السُّنَّةِ النَّبَوِيَّةِ فِي تَقْضِ كَلَامِ الشَّيْعَةِ وَ الْقَدَرِيَّةِ**، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن عابدین، ۱۴۱۵ق، **حاشیه رد علی المختار**، بیروت، دارالفکر.
- ابن عبدالبر، ۱۴۱۳ق، **الکافی فی فقه اهل المدينه العالکی**، بیروت، دار الفکر.
- انصاری، شیخ مرتضی، ۱۳۹۸، **المکاسب**، چاپ بیست و هشتم، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
- بهوتی، منصور بن یونس، ۱۴۲۶ق، **الروض المربع شرح زاد المستضع**، ریاض، مدار الوطن للنشر.
- جزیری، عبدالرحمن، ۱۴۱۹ق، **الفقه علی مذاهب الاربعه و مذهب اهل البيت**، بیروت، دارالثقلین.
- جمال، عبدالناصر، ۱۴۲۹ق، **موسوعه فی فقه الاسلامی**، قاهره، وزارت اوقاف المجلس الأعلى للشئون اسلامیة.
- حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۳۷۲، **وسائل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعه**، تهران، انتشارات مکتبه الاسلامیه.
- حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۳ق، **قواعدُ الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام**، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- خرشی، محمد ابن عبدالله ابن علی، ۱۴۱۷ق، **حاشیه الخرشی**، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، **معجم مفردات الفاظ القرآن**، بیروت، دار الشامیه.
- زرکشی، محمد ابن عبدالله، ۱۴۳۰ق، **شرح الزرکشی علی مختصر الخرقی**، مکه، مکتبه الأسدی.

- زيلعى، جمال الدين، ۱۴۱۸ق، **نصب الرايه الاحاديث الهدايه**، بيروت، مؤسسه الريان للطباعه والنش.
- سيد مرتضى، على بن حسين، ۱۳۹۸، **الانتصار فى انفرادات الإماميه**، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوى.
- عسقلانى، احمد بن على بن، ۱۳۲۵ق، **تهذيب التهذيب**، بيروت، دار صادر.
- عليان امينى، حسين، ۱۳۸۷، **موسوعه احكام المرتد فى الشريعه الاسلاميه**، چاپ اول، قم، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامى.
- گلپايگانى، سيد محمد رضا، ۱۳۷۲، **الدر المنضود فى احكام الحدود**، چاپ اول، قم، انتشارات دار القرآن الكريم.
- مفيد، محمد بن محمد، ۱۳۶۸، **المقنعه**، قم، دفتر انتشارات اسلامى.
- وهيبى، محمد بن عبدالله، ۱۴۲۷ق، **ديدگاه اهل سنت در مورد اصحاب**، مترجم اسحاق بن عبدالله دبيري عوضى، رياض، وزاره الشؤون اسلاميه و الأوقاف و الدعوه و ارشاد.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.24- Summer 2025

Buyer-Seller Relationship in the Underlying Contract in a Letter of Credit with Emphasis on Iranian law
Homayoun Mafi, Reza Ehsani, Ahmadsreza Amiri Larjani

A Comparative Study of Environmental Protection under International Human Rights Law and International Humanitarian Law
Sayyed Fazlollah Mousavi, Amir Hossein Asgari

Child-centered Justice and Government: Responsibility Prevention, Correction and Rehabilitation of Children Violate Criminal Laws
Mohammad Roshan, Somayeh Ranginkaman, Seyed Mostafa Hosseini Dastjerdi

Legal Challenges and Requirements of Artificial Intelligence in Workplaces: Examining Impacts and Reform Solutions
Maryam Boroomand Bazkiagourabi, Amirreza Mahmoudi

Algorithmic Society and Legal Adaptation: Rethinking Rights, Governance and Social Justice
Khadije Karimi Sfahani, Mojahed Amiri

Issuing Identity Documents for Children Born from Illegitimate Relationships and its Effects on Iranian Law
Marzieh Kazemi, Mostafa Kafi

Diminished Liability in the Criminal Systems of Iran and England
Iraj Morvati, Nafiseh Araghi, Mandana Janghali

Monitoring the Media with a Jurisprudential and Legal Approach
Narges Abolmasoomi

Cryptocurrency-Related Crimes; from Facilitating the Commission of Crimes to Prevention
Mahbobeh Talebi Rostami

The Importance of Contract Interpretation in Iranian Civil Law
Nazanin Bahrami, Mahnaz Sajjadian, Hamid Reza Konari Zhadeh

Investigating the Effect of Security and Populist Oriented Criminal Policy Intervention on the Formation of Modern New
Classical Criminological Dialog
Masoud Akbari

A Comparative Study of Commercial Property in Iranian and French Law
Saeed Johar

Deterrence of Exile and Banishment in the Period of Communication
Mahsa Mahmoudi

Manifestations of the Moral Rights of Prisoners in Domestic and International Documents
Amin Reza Bahar Falamarzi

Convergent Application of Civil Procedure Principles in Criminal Proceedings Using with Referral Mechanism
Ali Asghar Asgari

A Review of Crimes Against Government Lands (Case Study)
Vahid Kioumars

Space Debris in International Law: Regulatory Challenges and Legal Solutions
Mahdi Gharedaqi

Insult to Sacred Places in Iranian Criminal Law, Imamiyya Jurisprudence and Sunni Jurisprudence
Davoud Salmanpour, Yaghoob Taheri, Hosein Zarei

International Responsibility of States in Combating Doping: Legal Analysis and Implementation Challenges
Sepideh Ahmadian Fard

Criminal Policy Against Military Crimes in the Criminal Law of Iran and the United States
Amirhasan Abolhasani, Hamed Zarinjuj Alvar, Mohammadali Jahani

Rules Governing the Unorganized Monetary Financial Market in the Iranian Legal System
Ayoub Rahimi

Maintaining Social Capital in the Process of Combating Smuggling (Delaware Port Case Study)
Hossein Akbarpa

Conditions for the Exclusion of Personal Criminal Liability Based on the Statute of the International Criminal Court
Mohammadreza Afrasiabi

The Impact of Domestic Laws and Commitment to International Treaties in Combating Banking Corruption
Sayyed Bahman Akbari

Various Means of Enforcement in International Law
Mahdi Rezaei Asrami

Green Victimology and Non-Human Victims
Amin Hajivand, Amirhossein Khorashadi Zadeh, Mohammad Javad Mirzayi